

آرمان‌های توسعه هزاره و نقش بخش خصوصی در تحقق آنها

مریم چهاربالش

هر چند جامعه انسانی در سده اخیر پیشرفت‌های چشمگیری در عرصه‌های مختلف علم و فناوری داشته اما در همین زمان کفه تهدیدها نیز روبه‌سنگینی نهاده است. آمار فقر در جهان، ضعف در توزیع درآمدها، کمبود منابع و مواردی از این دست از جمله تهدیدهایی است که جامعه انسانی با آن روبه‌رو است. تا چند دهه پیش، دولت‌ها مهم‌ترین نقش را در حل این مشکلات ایفا می‌کردند و به‌عنوان تنها بازیگر جوامع، موظف به افزایش فرصت‌ها و از بین بردن تهدیدها بودند اما در سال‌های اخیر اتفاق‌های دیگری رخ داده که معادله‌های موجود را کمی تغییر داده است. هر چند همچنان دولت‌ها در فرایند توسعه نقش کلیدی ایفا می‌کنند اما سایر بازیگران نیز در این فرایند نقش خود را اثبات کرده‌اند.

مهمترین بازیگرانی که در دو دهه اخیر و در عرصه جوامع انسانی، پایگاه خود را تثبیت کرده‌اند، سازمان‌های غیردولتی و موسسه‌های خصوصی بوده‌اند.

به عبارت بهتر، جوامع انسانی در حال حرکت به سمت یک پیوستگی هستند که این پیوستگی علاوه بر دولت و وظایفی برای سایر بخش‌های فعال در جامعه تعریف کرده و همین امر سبب افزایش مشارکت این نهادها شده است. در این شرایط، مشارکت ذی‌نفعان متعدد می‌تواند تنها عامل تضمین‌کننده توسعه باشد.

با تاکید بر اهمیت مشارکت بخش‌های مختلف اقتصادی – اجتماعی در فرایند توسعه، در سال ۲۰۰۰ میلادی، ۱۸۹ تن از سران دولت‌ها به نمایندگی از ملت‌هایشان اعلامیه هزاره HmāçÇÜèèäñé dÜÑÇÇİÇİäèèè را در سازمان ملل متحد امضا کردند، با این هدف که با مشارکت سه بخش دولتی، تخصصی و سازمان‌های غیردولتی، جهان به سمت یکپارچگی بیشتری در توزیع منابع و امکانات و گسترش رفاه گام بردارد. وجه بارز این اعلامیه، تاکید بر مشارکت بخش خصوصی بوده است. شاید اغراق نباشد اگر ادعا کنیم که برای نخستین بار در اسناد بین‌المللی، نقش بخش خصوصی به این پررنگی مورد توجه قرار گرفته است.

درآمدی کمتر از هزار و ۵۰۰ دلار در سال دارند. این افراد هر چند از درآمد حداقلی برخوردار هستند اما می‌توانند بازار بسیار مناسبی برای شرکت‌ها باشند. شرکت‌های مواد غذایی، موسسه‌های فعال در زمینه عرضه آب آشامیدنی سالم و تامین‌کنندگان منابع انرژی و همچنین موسسه‌های خدمات مالی و بانک‌ها در صورت توجه به نیاز این افراد می‌توانند به بازار گسترده‌ای دست یابند. در این شرایط یک معادله برد-برد شکل خواهد گرفت، به دلیل اینکه این افراد نیز به این محصول‌ها نیاز دارند.

۲- دستیابی به آموزش ابتدایی همگانی:

این هدف خواستار آن است که تا سال ۲۰۱۵ آموزش همه کودکان اعم از دختر و پسر تا پایان دوره ابتدایی تضمین شود.

هر یک از ما به عنوان فعالان عرصه صنعت یا خدمات، بارها و بارها تاکید کرده‌ایم که «نیروی انسانی» مهم‌ترین سرمایه سازمان‌ها محسوب می‌شود و همه‌ساله سازمان‌ها مبالغ کلانی را صرف آموزش کارمندان خود می‌کنند. وقتی کودکانی در سن آموزش از آموزش محروم می‌مانند، این به معنای آن است که در چند سال آینده این فرد به عنوان یک نفر آموزش ندیده یا به عنوان کارگر وارد یک فرایند تولیدی می‌شود که قطعا از بهره‌وری پایینی برخوردار خواهد بود یا اینکه به عنوان یک انسان فاقد توانمندی، بیکار خواهند ماند و باعث بروز معضلات جدید خواهد شد.

به این ترتیب مهم‌ترین فعالیتی که بخش خصوصی در این میسر می‌تواند انجام دهد، به کار نگرفتن کودکان در فرایند تولید است زیرا کار کودک مانع آموزش او می‌شود و به سلامت روحی و جسمی وی نیز لطمه وارد می‌کند. هم‌اکنون در دنیا در این زمینه اقدامات مثبتی صورت گرفته است. به عنوان

دوسوم جمعیت کنونی جهان درآمدی کمتر از هزار و ۵۰۰ دلار در سال دارند. این افراد هر چند از درآمد حداقلی برخوردار هستند اما می‌توانند بازار بسیار مناسبی برای شرکت‌ها باشند

اهداف توسعه هزاره و تبیین جایگاه بخش خصوصی

در گام نخست، کشورهای متعدد در اعلامیه هزاره، اهداف ابتدایی را مورد توجه قرار دادند و رسیدن به این اهداف را تا سال ۲۰۱۵ میلادی تضمین کردند. در ادامه این اصول را با رویکرد نقش بخش خصوصی در تحقق این اهداف مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱- ریشه‌کن کردن فقر شدید و گرسنگی:

این آرمان‌ها دو هدف را در زیرمجموعه خود دارد. نخست اینکه تا سال ۲۰۱۵ تعداد افرادی که روزانه درآمدی کمتر از یک دلار دارند، به نصف کاهش یابند و دوم اینکه تا همان سال تعداد افرادی که از گرسنگی رنج می‌برند نیز به نصف میزان کنونی برسد.

هر چند آمارهای موجود، آمارهای دقیقی نیست اما همین آمارها حاکی از آن است که دوسوم جمعیت کنونی جهان - یعنی نزدیک به چهار میلیارد نفر -



می‌کند، سایر کودکان در رفاه کامل به سر ببرند. جامعه انسانی به این نتیجه رسیده است که رفاه و سلامت باید در دنیا تقسیم شود و این حق همه انسان‌هاست.

۵- بهبود بهداشت مادران:

زنان، بخش عظیمی از نیروی کار را در صنایع تولیدی کاربر مانند پوشاک، کفش، اسباب‌بازی، الکترونیک، صنایع غذایی و جزاین تشکیل می‌دهند اما در سن باروری آموزش کمتری نسبت به هم‌تایان مرد خود برخوردار می‌شوند و همین مساله به مانعی برای ارتقای شغلی زنان تبدیل شده است. از آنجا که توسعه زنان از زیربناهای توسعه کلان جوامع محسوب می‌شود، شرکت‌ها می‌توانند با حمایت از زنان در موقعیت‌های مختلف، گام مستقیمی در جهت توسعه بردارند. موسسه‌ها نیز برای تحقق این هدف می‌توانند با تامین محصول‌ها و خدمات ارزان مورد نیاز زنان و همچنین بهبود شرایط کاری و سلامت شغلی زنان، در این مسیر گام بردارند.

بر اساس این هدف مقرر شده است، میزان مرگ و میر مادران هنگام زایمان تا سال ۲۰۱۵ به یک چهارم میزان کنونی برسد.

۶- مبارزه با ویروس ایدز، مالاریا و سایر بیماری‌ها:

جامعه سالم و انسان سالم، رکن توسعه پایدار است. هنگامی که ایدز در جنوب آفریقا هزاران قربانی دارد، نمی‌توان تصور کرد که شرکت‌ها از این آسیب به دور هستند. از آنجایی که شرکت‌ها نیز نیروی انسانی مورد نیاز خط تولید خود را از بستر همین جامعه انتخاب می‌کنند، مبارزه با این بیماری‌ها نه تنها در ابعاد کلان می‌تواند توسعه جوامع را تسهیل کند، بلکه نقش مستقیمی در کاهش هزینه‌های دارو و درمان کارکنان خواهد داشت. همچنین جامعه سالم، می‌تواند

بستر مناسب‌تری برای فعالیت‌های اقتصادی فراهم کند.

۷- آرمان پایداری محیط زیست:

نیازی به توضیح نیست که در چند دهه اخیر، محیط زیست مورد تاخت و تاز بی‌حد و حصر انسان قرار گرفته است و انواع گونه‌های گیاهی و جانوری در شرف انقراض هستند. از طرفی مردم زیادی به آب سالم دسترسی ندارند و به دلیل



نمونه اتاق بازرگانی داخلی سیالکوت در پاکستان و انجمن صادرکنندگان پوشاک در بنگلادش با مشارکت سازمان بین‌المللی نجات کودک، اقدام‌های بسیار مثبتی را در ارتباط با به‌کار نگرستن کودکان در صنایع توپ فوتبال و پارچه ایفا کرده‌اند. همچنین بخش خصوصی می‌تواند با توجه جدی به آموزش فرزندان کارکنان خود، آینده بهتری را برای این کودکان رقم بزند.

۳- ترویج برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان:

زنان با وجود اینکه با محدودیت‌های محیطی متعددی روبه‌رو هستند، توانسته‌اند در تامین نیروی انسانی شرکت‌ها، تثبیت فرایند صلح در سطح جهان و همچنین بهینه‌سازی آموزش و سلامتی، گام‌های موثری بردارند اما متأسفانه بسیاری از موسسه‌های خصوصی کمتر به توانمندی‌های موجود زنان توجه می‌کنند یا اینکه توجه به این توانمندی‌ها به تازگی مورد توجه آنها قرار گرفته است.

موسسه‌های خصوصی در راستای تحقق این هدف ضمن توجه به راهکارهای زیر می‌توانند منافع اقتصادی - اجتماعی بیشتری را به دست آورند.

● تقویت توان اقتصادی زنان کارآفرین، کارمند و تولیدکننده. (این کار می‌تواند از طریق استخدام زنان یا حمایت از زنان کارآفرین و آموزش آنها صورت بگیرد.)

● حذف خشونت علیه زنان در محیط کار

۴- کاهش میزان مرگ و میر کودکان:

شرکت‌های تولیدکننده مواد دارویی و غذایی و همچنین موسسه‌های تهیه آب، در این فرایند می‌توانند گام‌های موثری بردارند. به عنوان مثال مساله ایدز کودکان در جنوب آفریقا یک مساله جدی است و اگر می‌خواهیم در دنیایی برابرتر زندگی کنیم باید به این مساله توجه کنیم.

به نظر می‌رسد که جامعه‌های انسانی به این نتیجه رسیده‌اند که سعادت انسان‌های این کره خاکی در گرو یکدیگر است. دیگر نمی‌توان تصور کرد در حالی که ایدز در جنوب آفریقا همه ساله تعدادی از کودکان را در دام مرگ گرفتار

اهداف توسعه هزاره، پیمانی ملی و بین‌المللی است که می‌تواند با ایجاد هم‌افزایی، فرایند توسعه را در جوامع مختلف تسهیل کند

حال توسعه و عقب مانده از میزان زیادی بدهی خارجی رنج ببرند. سازمان ملل متحد، به عنوان نهادی متشکل از همه ملل جهان، در جهت گسترش رفاه و تساوی در دسترسی به منابع و امکانات گام برمی دارد. در این راه دولت ها و بخش خصوصی نیز می توانند اقدام های موثری انجام دهند. به عنوان نمونه یکی از اقدام های بخش خصوصی ایجاد اشتغال برای جوانان است. اقدام دیگر، آموزش کارکنان و حمایت از سایر فعالیت های آموزشی در سطح جامعه است. در نهایت اینکه یکی از آرمان های این هدف، دسترسی آسان تر مردم به فناوری ارتباطات و اطلاعات (ICT) است که موسسه های خصوصی می توانند در این راه گام موثری بردارند.

نتیجه گیری

توسعه جوامع در گرو توسعه کلیه بخش های اقتصادی - اجتماعی و تعامل با دولت است و اهداف توسعه هزاره، پیمانی ملی و بین المللی است که می تواند با ایجاد هم افزایی، فرآیند توسعه را در جوامع مختلف تسهیل کند. عمل به اهداف توسعه هزاره برای بخش خصوصی، هم می تواند منافع اقتصادی بلندمدت به ارمغان آورد و هم - از بابت مسئولیت اجتماعی شرکت ها که هم اکنون یکی از پیشتازترین نگاه ها در عرصه اقتصادی محسوب می شود - گستره اثر بخشی سازمان ها را افزایش دهد. آنچه در این شماره مطرح شد، مروری بر کلیات این اهداف بود و در شماره آینده مقالاتی با رویکرد جایگاه این اهداف در ایران ارائه خواهد شد. ■



جامعه سالم و انسان سالم، رکن توسعه پایدار است و می تواند بستر مناسب تری برای فعالیت های اقتصادی فراهم کند

نبودن منابع انرژی در نقاط محروم، سوخت فسیلی و چوب مهم ترین سوخت ساکنان این مناطق محسوب می شود. از سوی دیگر به دلیل گسترش شهرهای صنعتی هم اکنون حداقل ۱۰۰ میلیون نفر در دنیا در شرایط زاغه نشینی و پیرامون کلان شهرها زندگی می کنند. همه این موارد بیانگر اهمیت اصلاح این شرایط است.

در این میان بخش خصوصی در شرایط یاد شده چه کاری می تواند انجام دهد؟ در این ارتباط سیاست های زیر توصیه می شود:

۱. پیروی از قوانین و مقررات زیست محیطی برای تولید کالای پاک: شرکت ها باید در اهداف خود بگنجانند که به محیط زیست آسیب نرسانند و تلاش کنند کالاهایی را تولید کنند که کمترین آسیب را برای محیط زیست دارد.

۲. تغییر خطوط تولید و الگوهای کار، متناسب با الگوهای زیست محیطی.

۳. سبز کردن بازارهای مالی: گنجاندن ارزیابی های زیست محیطی در طرح های تجاری، بیمه و پشتیبانی زیست محیطی فرایندهای تولید از حداقل اقدام هایی است که در این زمینه می توان انجام داد.

۴. پرداختن به چالش های مصرف پایدار

۵. مقابله با تغییرات آب و هوایی: گازهای گل خانه ای یکی از مهم ترین آلاینده های زیست محیطی است که مهم ترین تولیدکنندگان آن نیز شرکت ها و مؤسسه های تجاری و تولیدی هستند. برای مقابله با این مشکل تاکنون اقدام های موثری انجام شده و تقریباً این موضوع در کشورهای توسعه یافته حل شده است. موسسه های فعال در کشورهای در حال توسعه نیز با پیوستن به نهادهای بین المللی فعال در این عرصه و همچنین تبعیت از پروتکل هایی که در جهت حل این مشکل پیش بینی شده اند - ضمن برخورداری از حمایت جهانی - می توانند در راه حل این مشکل گام بردارند.

۶. ایجاد مشارکت جهانی برای توسعه: تا چندی پیش توسعه کشورها به صورت بخشی دیده می شد اما هم اکنون دید کلان تری نسبت به توسعه در دنیا وجود دارد. نمی توان انتظار داشت که مردم چند کشور در رفاه مطلق زندگی کنند و بقیه مردم جهان با فقر یا حداقل میزان درآمد روبه رو باشند یا دولت های در